



شهید اسدالله شیران

ولادت: ۱۳۳۹/۱/۱، استان اصفهان

پذیرش در رشته برنامه ریزی کامپیوتر

شهادت: ۱۳۶۱/۴/۳۱، شلمچه، عملیات رمضان

آرامگاه: اصفهان، گلستان شهدا، قطعه ۸، ردیف ۳

زندگی نامه

شهید اسدالله شیران در اول فروردین ۱۳۳۹ در اصفهان دیده به جهان گشود. دوران تحصیل خود را تا کسب دیپلم با موفقیت پشت سر گذاشت. پیش از پیروزی انقلاب هم‌زمان با دستگیری آیت‌الله طاهری همراه با مردم اصفهان در منزل آیت‌الله خادمی دست به تحصن زد و در تمام تظاهرات خیابانی و اجتماعات مردم مسلمان و مبارز اصفهان شرکت جست. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کمیته انقلاب پیوست و چه بسیار شب‌ها و روزهایی که به پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی سپری کرد و پس از آن با آغاز عملیات آمریکا در خوزستان که به منظور ضربه زدن به انقلاب و به بهانه خود مختاری خوزستان مطرح شده بود، به خرمشهر شتافت.

پس از شرکت در کنکور در رشته برنامه ریزی کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد و به ادامه تحصیل پرداخت؛ سپس مدتی به کمک جهاد دانشگاهی اصفهان شتافت و با پذیرش مسئولیت در واحد کامپیوتر اداره برق اصفهان، کمبود کادر اختصاصی آن ناحیه را جبران نمود.

در همان ماه‌های نخست دانشجویی به فاتحان لانه جاسوسی آمریکا پیوست و با چهره پلید امپریالیسم از نزدیک آشنا شد و به ضرورت مبارزه تا پیروزی کامل بر کفر جهانی اعتقاد داشت. با پایان گرفتن مسئله گروگان‌ها به تدریس در مدارس تهران و هم‌زمان به تعلیم آموزش چریکی برای مقابله با حمله‌های نظامی مشغول شد. با شروع جنگ همراه با گروه شهید چمران به اهواز، دارخوین و سپس به سلیمانیه رفت و به مبارزه با مزدوران کفر و صهیونیسم پرداخت که متأسفانه با فرماندهی بنی‌صدر خائن و رکود جنگ مصادف بود. سپس به تهران بازگشت و با عضویت در سپاه به سیستان و بلوچستان رفت و خدمت خود را ادامه داد. با آغاز عملیات فتح‌المبین بار دیگر به تهران آمد تا به جبهه اعزام شود، اما به منظور راه‌اندازی پایگاه بسیج شمیرانات به عضویت سپاه پاسداران

تهران درآمد. در روزهای پایانی عمر همواره از شهادت سخن می‌گفت و هوای پرواز و رها شدن از زندان تن را داشت. در آخرین نامه برای خانواده از آنها می‌خواهد که خالصانه و پاکباز عبادت کنند و انقلابی و مخلص باشند و هرگز نگذارند که به خون شهیدان خیانت شود. سرانجام وی در سی و یک تیر ۱۳۶۱ در شلمچه و در عملیات رمضان به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

«شهادت» نه یک باخت، بلکه یک «انتخاب» است.

سلام و درود بی‌کران بر کسانی که حسین (ع) را برگزیدند و راه حسین را برگزیدند و حسین‌وار شهید شدند.

زمان، زمان آزمایش است و من خدا را سپاس می‌گویم که توفیق شرکت در این آزمایش الهی را داشتم و در صحنه نبرد حق و باطل و پیکار نیروهای توحیدی با ایادی شرک و کفر با نثار خون سرخ خود عاشقانه به لقاء الله پیوستم. در روند تکامل هستی، شهیدان با نثار خون خویش به معراج عشق صعود می‌کنند و یاران خمینی، پیروان کوچک حسین (ع) هستند و به خیل شهیدان می‌پیوندند. پیام من به امت رزمنده و همیشه بیدار این است که «امام را تنها نگذارید»؛ زیرا با تنها گذاشتن او، خون شهیدان پایمال می‌گردد. به خدا فکر کنید و منیت‌ها را کنار بگذارید؛ چرا که شرک می‌آورد.

پیام دیگرم در مورد ولایت فقیه است که قلب اسلام «ولایت» است؛ این قلب را سالم نگه دارید، تا اسلام زنده بماند. حامی اسلام و امام باشید تا خدا یاور و یار شما باشد. خداوند انسان را آفرید و او را حاکم بر سرنوشت خویش نمود و من حرکت خود را توحیدی انتخاب کردم و خوشحالم که در این راه قدم نهادم و خانواده‌ام بدانند که این راه را خودم برگزیدم و الگوی من در این راه، حسین-بن‌علی (ع) بود.